

دو سند تازه‌یاب درباره فداییان اسلام

محسن صادقی

سند اول، تصویر نامه شهید نواب صفوی، رهبر فداییان اسلام، به مرحوم آیت‌الله سید صدرالدین صدر و سند دیگر، تصویر پاسخ همان نامه از آیت‌الله صدر به نواب صفوی است.

در سند اول، نواب صفوی از آیت‌الله سید صدرالدین صدر می‌خواهد که «ایشان حکم کند تا آقای واحدی استعفای خود را پس بگیرد و کمافی‌السابق مشغول انجام وظیفه شود.»

در سند دوم، آیت‌الله صدر در پاسخ نواب صفوی استخاره کرده و چون آیه عذاب می‌آید، اقدامی نمی‌کند و نواب را دلداری می‌دهد و می‌گوید: «از استعفای واحدی نباید افسرده شوید و همان ایمانی که در آغاز او را وادار به همکاری با شما کرد، اگر پابرجا باشد، دوباره او را باز می‌گرداند.»

نکته بارزی که در نامه نواب صفوی وجود دارد، و آن ارتباط فداییان اسلام با مرجعیت و احترام فوق‌العاده او به آیت‌الله سید صدرالدین صدر است که در آغاز نامه ایشان را با تعبیر پدر بزرگوار، آقای من، مولای من، عزیز من، و حبیب من، خطاب می‌کند.

در مورد آغاز و انجام فداییان اسلام و رهبر آن حزب، یعنی سید مجتبی نواب صفوی، بسیار گفته و نوشته شده است. اما در مورد آیت‌الله سید صدرالدین صدر، شرح حالی کوتاه از ایشان در چند سطر و بدنبال آن دو سند مذکور، بازنگاری می‌کنیم و تصویر آن‌ها را می‌آوریم.^۱

آیت‌الله سید صدرالدین صدر (۱۲۹۹-۱۳۷۳ق.) فرزند

۱. با تشکر از بیت مرحوم آیت‌الله سید صدر و بویژه حضرت آقای سید باقر خسروشاهی که اسناد فوق را در اختیار گذاشتند.

آیت‌الله سیداسماعیل صدر از مراجع دوره معاصر، نزد آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و میرزا محمدحسین نائینی درس خواند و پس از درگذشت مرحوم حاج شیخ عبدالکریم (م ۱۳۵۵ ق.)، به همراه آیت‌الله سیدمحمدحجت و سید محمدتقی خوانساری اداره حوزه علمیه قم را بر عهده گرفت. از ایشان آثار علمی فراوانی بجا مانده است. امام موسی صدر و آیت‌الله رضا صدر از فرزندان ایشان و آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر داماد ایشان بودند.^۱

سند اول: نامه نواب صفوی به آیت‌الله سید صدر

هوالعزیز

شب پنجم رمضان المبارک ۱۳۷۲ هـ ق

پدر بزرگوارم حضرت آیت‌الله سید صدر (ادام‌الله بقاءکم و نصرکم و نصرکم بکم دینه)

السلام علیکم و علی اهل بیتکم، و الصلاة و السلام علی اجدادکم و رحمة الله و برکاته

ابی و سیدی و حبیبی و مولای و عزیزى و شوقاً إلیکم

دشمنان خدا به هم نزدیک می‌شوند و مفهوم «الکفر ملّة واحدة» تحقق می‌یابد و دوستان خدا آن چنان که بایست به وظیفه محبت عمل نمی‌کنند. متمنی است به آقای واحدی کتباً امر بفرمایید و حکم کنید که استعفای خود را پس گرفته، کما فی السابق مشغول انجام وظیفه شوند که تأخیر این موضوع به ضرر اسلام می‌باشد، تا ان‌شاءالله پس از حل این مشکل، توفیق عاجلی شامل گردیده، به حضرت معصومه (علیهاالسلام) مشرف شده، خدمتتان شرفیاب گردم و علت استعفای آقای واحدی را ضمناً عرض کنم که ایشان در این امر تقصیری نداشتند و بدون رضایتشان بوده.

اجمالاً برای اسلام ضروری است، که کتباً امر فرمایید بازگشت کنند تا ان‌شاءالله بزودی خدمت برسیم. فرزندان بیت‌الشرف (رفع‌الله منزلتهم...) جناب آقای آقا رضا و جناب آقای آقا موسی را سلام برسانید.

تهران، به یاری خدای توانا.

فرزند کوچک شما سید مجتبی نواب صفوی.

بسیار محتاج دعا هستم.

عبارات روی پاکت نامه نواب صفوی:

الصلاة و السلام علی المعصومة الكبرى، مولاتى و عمتى. پدر بزرگوارم حضرت آیت‌الله سید صدر (رفع الله به رایة دینه الاسلام و خذل به أعداءه)

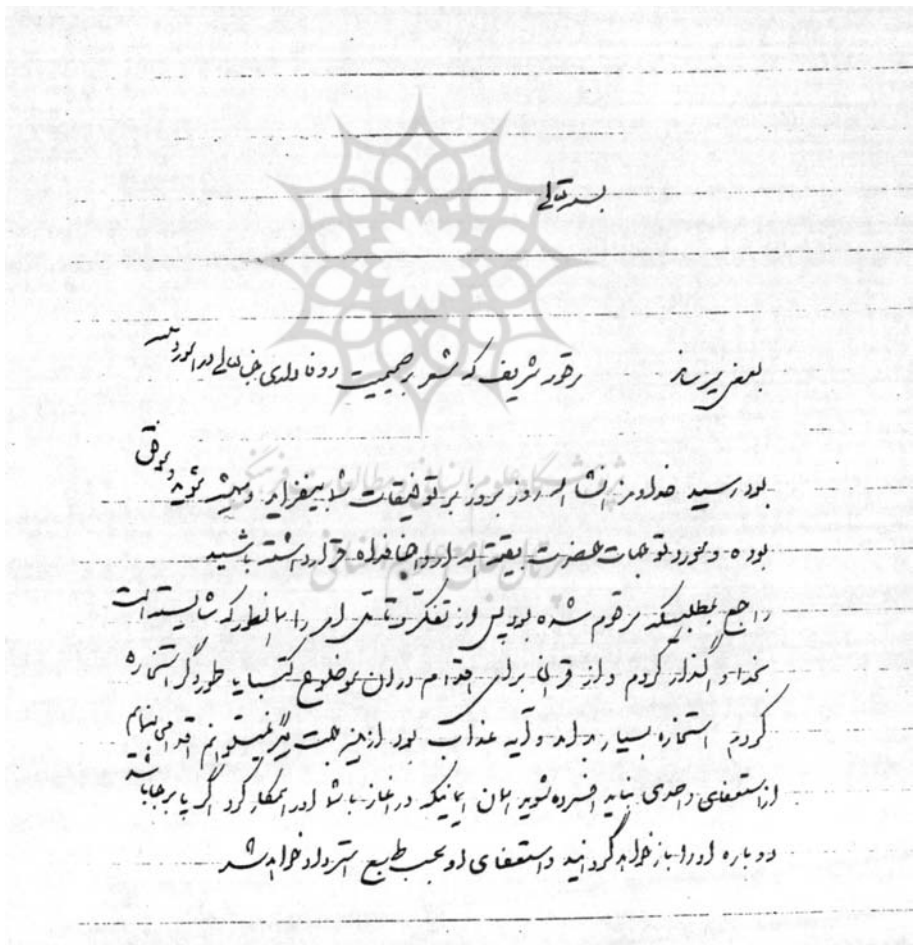
سند دوم: نامه آیت‌الله سید صدر در پاسخ نواب صفوی

۱. برای اطلاع بیشتر از شرح حال مرحوم آیت‌الله سیدصدرالدین صدر ر.ک: مجله نور علم، ش ۷، صص ۷۴-۸۱.

باسمه تعالی

به عرض می‌رساند، مرقومه شریف که مُشعر بر صمیمیت و وفاداری جناب عالی در امور دینیّه بود رسید. خداوند ان شاءالله روز به روز بر توفیقات شما بیفزاید و همیشه مؤید و موفق بوده و مورد توجهات حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) قرار داشته باشید.

راجع به مطلبی که مرقوم شده بود، پس از تفکر و تأمل، امر را همان طور که شایسته است به خدا واگذار کردم و از قرآن برای اقدام در آن موضوع کتباً یا طور دگر استخاره کردم، استخاره بسیار بد آمد و آیه عذاب بود. از این جهت دیگر نمی‌توانم اقدامی بنمایم. از استغفای واحدی نباید افسرده شوید، همان ایمانی که در آغاز با شما او را همکار کرد اگر پابرجا باشد دوباره او را باز خواهد گردانید و استغفای او به حسب طبع استرداد خواهد شد.



کتاب الخیر

سید محمد علی رازی ۱۳۷۲ هـ

بجز بر کلام نبوت که در صدر است
سلام بخندم و علی اهل بیت را
در رحمت او در جگام
ابی و سیدی و جیبی و مولای و عویدی

و اسما علیهم

دستمان خدا هم نزد یک میسوند و معجزم که کفر مکه و احده که در آنجا
و دو سال در آنجا که با دست بر لبه صحبت علی نمیکند
سهمی است با قاکا و احد که کتاب امر بفرما به و حکم کنید که استغفار
خود را پس گفته که فی ذلک سنون لیسام و جنبه شوند که با خبر
این سر مشوع بفرم اسلام میباید تا اوست به و پس از آن مشکل
رضی عا علی سائل که در مدینه صحبت معصوم مرف شد دستمان که خیار
اردم و علی استغفار که قاکا حاضر است عرض کنیم که دستمان در این
امر تقصیر نکند و بدین رضایتش که . اجماله بر او که اسلام ضروریست

کتابت این نامه با دست کشیده تا آن روز بر در کاخ حضرت بوم
در مدینه منوره است
این نامه را که در حدیث آمده که آن امری که امام بر این
مالی با یک صد گوناگون در مدینه منوره است
بدرستی که در این کتاب است
در مدینه منوره است

اسلام و اسلام علی معصومیه ابی محمد و علی

بجز بر کلام نبوت که در صدر است
سلام بخندم و علی اهل بیت را
در رحمت او در جگام
ابی و سیدی و جیبی و مولای و عویدی

پیام بهارستان / ۲۰، س. ۲، ش. ۷ / بهار ۱۳۸۹